

الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در دوره دولت اردوغان در چارچوب سازه انگاری

سید محمد موسوی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱



۱۷۹

الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در ...

چکیده

ترکیه و ایران هر دو از دیرباز جزو بازیگران قدرتمند منطقه ای هستند که تلاش می کنند قدرت و نفوذ خود را در آسیای غربی افزایش دهند. با به قدرت رسیدن اسلام گرایان ترکیه در سال ۲۰۰۲ و پیروزی حزب عدالت و توسعه، الگویی از سیاست گذاری خارجی توسط رهبران سیاسی این کشور تحت عنوان «نوعثمانی گری» شکل گرفت. هدف نوعثمانی گری ترکیه احیای نفوذ فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی این کشور در مناطقی بود که در گذشته تاریخی نه چندان دور جزو امپراطوری عثمانی محسوب می شدند. اتخاذ و پیگیری این سیاست مسائل اساسی در روابط ایران و ترکیه بوجود آورد. بررسی چرایی و چگونگی این برخورد منافع که بیشتر متأثر از سیاست خارجی نوعثمانی گری ترکیه نتیجه می شود، هدف این مقاله است. یافته های تحقیق در چارچوب نظریه سازه انگاری که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی بدست آمده، گویای آن است که هویت و هنجارهای سیاست گذاران دولت اسلام گرای ترکیه با سیاست گذاران ایرانی در تضاد است؛ لذا مشاهده می شود که نوعثمانی گری ترکیه موجب برخورد منافع دو کشور در منطقه خاورمیانه را ایجاد کرده است. از سوی دیگر، فرصت های امنیتی، همکاری های اقتصادی و همکاری در حل تعارضات منطقه ای همگرایی دو کشور را اجتناب ناپذیر کرده است.

واژه های کلیدی: روابط خارجی، «سازه انگاری»، «آسیای غربی»، «تعارضات منطقه ای»، «داعش»

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، ایران. s46mosavi@yahoo.com

۱. مقدمه

منطقه خاور میانه به دلیل شرایط خاص و ژئوپولیتیکی خود و حضور قدرت های بزرگ، موجب شده است، تحلیل مسائل این منطقه از جهان به یکی از پویاترین مباحث در حوزه مطالعات بین المللی تبدیل شود. زیرا از یک سو، ظهور انقلاب های عربی در خاور میانه، مسأله سوریه، ظهور گروه های تندرو و حمله همه جانبه به عراق و مباحث کردها در منطقه که به عنوان بخشی از ساکنان حوزه تمدن ایرانی علاوه بر استقرار در ایران، در بخش هایی از ترکیه، عراق، سوریه، ارمنستان و جمهوری آذربایجان و بخش هایی از قفقاز و حتی بخش هایی از آسیای میانه پراکنده هستند، یکی از مهمترین مباحثی است که کشورهای زیادی را درگیر نموده است. کشورهایمانند ایران، ترکیه، عربستان و مصر با توجه به شرایط جدید به وجود آمده در منطقه در پی استفاده مطلوب از فرصت های جدید و نفوذ در منطقه برآمدند. با این پیش فرض یکی از مسائلی که نمی توان ساده به آن نگاه کرد و نیازمند بررسی جامع و تخصصی است، روابط دو طرفه کشورهای قدرتمند منطقه علی الخصوص کشورهای تاثیر گذارمانند ایران و ترکیه خواهد بود که همگرایی بین دو کشور، بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و در دوران اردوغان یک روند مطلوب را تجربه کرد. با وقوع تحولاتی که در سالهای گذشته در شرایط منطقه ای و بین المللی به وجود آمده است، گرایش اسلام گرایان ترک به ایران بیشتر از گذشته شده است. علت این امر را می توان در دو مقوله "دیپلماسی تجارت" و "انزوای منطقه ای ترکیه" جستجو کرد. ترکیه، به عنوان بخشی از "سیاست عدم مشکل با همسایگان خود"، در سال های اخیر بر روی بهبود روابط خود با ایران که اساس آن در انگیزه های اقتصادی قرار دارد، کار کرده است.

همگرایی از سوی هر دو کشور با وجود مشترکات سیاسی، به صورت جدی و در راستای تامین نیاز های دو طرف دنبال شده است. این در حالی است که در تاریخ روابط دو کشور شاهد تنش های جدی نیز بر سر مسائل منطقه و بین المللی بوده ایم. رویدادهای سوریه و اتخاذ سیاست ها در قبال حکومت سوریه از سوی دو کشور تنش زا ترین مسأله به وجود آمده در سال های اخیر بوده که موجب تیرگی روابط دو رقیب دیرینه شده است. ترکیه در اتخاذ و پی گیری سیاست های خارجی در منطقه در مورد حکومت سوریه، همگرایی با داعش، همچنین حمایت



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های پای جهان اسلام
جمعه ترانست العالم الاسلامی

۱۸۰

سال ۱۳۹۹، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹



از اخوان المسلمین در مصر و بستن شمشیر از رو برای حاکمان نظامی مصر و ایجاد چالش با ایالت متحده آمریکا خود را در یک انزوای منطقه ای احساس و در جست و جوی فرصت هایی جدید در منطقه برای پیش برد اهداف تجاری خود که اساس سیاست خارجی ترکیه را شامل می شود، بر آمده است. بررسی چرایی و چگونگی این برخورد منافع و تعامل در روابط ایران و ترکیه هدف این مقاله است. پژوهش حار بر مبنای و در چارچوب نظریه سازه انگاری به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی سرانجام یافته است.

۲. چارچوب نظری: سازه انگاری

پیشینه سازه انگاری تا قبل از آنکه در روابط بین الملل مطرح گردد به جامعه شناسی سیاسی بازمی گردد (قوام، ۱۳۸۸: ۲۲۳)، اما از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکی از تئوری های اصلی روابط بین الملل تبدیل شده است. «سازه انگاری بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می کند، که همه کنش های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می دهد (Zehfuss, ۲۰۰۲: ۱۵۷) تا پیش از تحولات اساسی بین المللی در اواخر سده گذشته، توجه به قدرت، منافع، ساختار و نهاد برای مطالعه سیاست خارجی کشورها رواج بسیاری داشت. اما ناکامی نظریه های سیاست خارجی در پیش بینی و تحلیل آن تحولات، توجه به عوامل "فرهنگی و اجتماعی" را در دستور کار نظریه پردازان سیاست خارجی و روابط بین الملل قرار داد. (کریمی، ۱۳۸۳: ۱۶۰) از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکی از تئوری های اصلی روابط بین الملل تبدیل شده است. آنچه زمینه را به طرح و احیای دوباره سازه انگاری فراهم آورد، در واقع منظره های اصلی نو واقعگرایان و نولیبرال ها از یک سو و نظریه پردازان انتقادی و خردگرایان از سوی دیگر بود تا اوایل دهه ۱۹۹۰ ادامه داشت (حاجی یوسفی، ۱۳۹۰: ۳۲۴). بنابراین می توان اینگونه ادعا کرد که سازه انگاری در عرصه مطالعه و پژوهش روابط بین الملل چیزی جز حاصل نظریه مناظرات سوم نیست که حداقل یک دهه قبل از فروپاشی اتحاد شوروی به روابط بین الملل راه یافت و تفسیر سازه انگاری در روابط بین الملل آنهم به عنوان یک روش را، به شکل جدیدی ممکن ساخت. (ازغندی، ۱۳۸۷: ۲۲۲) در حوزه روابط بین الملل نیکلاس

اونف نخستین کسی بود که اصطلاح «سازه انگاری»^۱ و اجتماعی بودن جهان بر ساخته ما را به کار برد. (صادقی، ۱۳۸۷: ۲۵۰). سازه انگاری با تأکید بر نقش و اهمیت ابعاد غیرمادی حیات اجتماعی، نقش زبان، قواعد، هنجارها، رژیم‌ها، عرفیات و فرهنگ را در تکوین روابط بین الملل مورد توجه قرار می‌دهد. (شفیعی و رضایی، ۱۳۹۱: ۶۳). در تئوری سازه انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست خارجی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵).

سازه انگاری بر این باور است که همه جریان‌های عینی موجود در عرصه تعاملات بین المللی، هنجارها و قواعد را معیارهایی برای منافع خردمندانه و عقلایی دولت‌ها تلقی می‌کنند و بر اساس همان هنجارها و قواعد، منافع دولت و ملت‌ها صورت عینی به خود می‌گیرند. به همین ترتیب هنجارها و قواعد نیز اساس بازی بین المللی به شمار می‌روند (امینی، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

سازه انگاران معتقدند روابط متقابل دولتی از درجه درخور توجه عوامل ذهنی، شامل عقاید و ایده‌ها تشکیل شده است و باعث تفسیر ویژه‌ی حوادث و داده‌ها می‌شود. مهم‌ترین این عقاید و ایده‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: هویت‌ها شامل خودآگاهی بازیگران سیاسی و تصورات مشترک آنها از دیگران، فرهنگ‌های استراتژیک که مجموعه‌ای از عقاید درباره‌ی ویژگی‌های اساسی سیاست‌های بین الملل و بهترین روش‌ها موفق شدن در آن، به ویژه درباره‌ی کاربرد زور و چشم اندازهای همکاری است و هنجارها که نه تنها درباره‌ی اینکه چه چیزی مؤثر است، بلکه درباره‌ی اینکه چه چیزی حق است یا در حوزه‌ی بین الملل مناسب است. (امام جمعه زاده و میرکوشش، ۱۳۹۲: ۷۹)

سازه انگاران برای توضیح چگونگی شکل‌گیری منافع، بر هویت‌های اجتماعی بازیگران - اعم از افراد و کشورها- تأکید می‌ورزند، از نگاه آنها منافع ناشی از روابط اجتماعی است و نمی‌توان به شکل ماقبل اجتماعی از منافع سخن گفت (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۵۵). هویت‌ها تجسم شرایط فردی هستند که کارگزاران از طریق آنها با یکدیگر رابطه برقرار میکنند، از آنجا که این شرایط باعث میشود که کنشگران خود را ملزم در وضعیت‌های خاص ببینند، به نحوی منافع آنها را تعریف می‌کنند (وهاپور، ۱۳۸۴: ۱۲۹).



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

در این رویکرد دولت ها نهادهای هستند که موجودیت و خصوصیت شان وابسته به باز تولید انواع خاصی از رویه هاست. دولت صرفاً واحد حقوقی و یا سازمان رسمی نیست بلکه مجموعه ای از رویه هاست که به شکل هنجاری قوام یافتند. (امیر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۲)

ونت به عنوان مؤثرترین شخصیت این رویکرد، این نظریه را این گونه معرفی می کند: «سازمانگاری نظریه ساختاری (کلان) نظام بین الملل محسوب می شود که دولت ها، واحدهای اولیه تحلیل شان در نظریه های سیاسی هستند و سیستم بین الملل متشکل از دولت ها، دارای ساختاری می باشد که ویژگی بین الاذهانی آن برجسته است و بخش مهمی از منافع و هویت دولت ها به وسیله این ساختار اجتماعی ساخته می شود» (Went, ۱۹۹۴: ۳۸۳-۳۸۴)

از نظر آنها اتحاد ها و ائتلاف ها بر خلاف نظر واقع گرایان، نه صرفاً بر اساس تهدید، بلکه بر اساس ارزش های مشترک شکل می گیرند. این نهادها، تحلیل بنیادین ارزش ها هستند و در امور بین الملل، نقش اساسی ایفا می کنند. هویت ملی به دولت ها کمک می کند بر اساس برداشتی که از خود دارند، تهدید های امنیتی ملی را تعریف و به سازوکارهای شکل دادن به متحدین اقدام کنند. دولت ها بر اساس هویتشان، دشمنان، رقبا و دوستان خود را درک می کنند و در این فرایند، هویت خود را تعریف و باز تعریف می نمایند. آنها بر اساس انتظاری که از دیگران دارند، رفتارشان را تنظیم می کنند (یزدان فام و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۹۰).

سازمانگاران تعریف جدیدی از قدرت و روابط قدرت ارائه می دهند. در این تعریف «یک دولت قدرتمند لزوماً نباید صاحب قدرت اقتصادی و نظامی باشد. بلکه دولت قدرتمند باید توانایی ایجاد آن چنان فضای هنجاری را داشته باشد که بتواند به راحتی به خلق و ایجاد رفتارهای مورد نظرش پردازد» (checkel, ۱۹۹۷: ۴۷۲). به عنوان مثال رویکرد ترکیه جدید اثبات کننده این استدلال سازه انگارانه است که تلاش دارد به رقم محدودیت قدرت نظامی و سیاسی، با خلق هنجارهای سیاسی و مذهبی در خاورمیانه، خود را بازیگر فعال و قدرتمند در خاورمیانه مطرح سازد. بنابر این، در تئوری سازه انگاری، هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست های جهانی ایفا می کنند. هویت ها و منافع دولت ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ایجاد می شود و این «فرایند» است که موضوع تعامل دولت ها را تعیین می نماید» (Adler, ۱۹۹۷: ۳۱۷).

تأکید انقلاب اسلامی بر اهمیت ارزش‌ها و هنجارهای دینی در عرصه سیاست داخلی و خارجی گویای آن است که حداقل بعد از پیروزی انقلاب می‌توان تصمیم‌گیری در دو حوزه داخلی و خارجی را بر اساس نظریه سازه‌انگاری تبیین نمود. (نوری و ملکوتی، ۱۳۹۱: ۳). به همین دلیل می‌توان گفت تبیین سیاست خارجی ایران و هویت سیاسی انقلابی آن بر اساس نظریه سازه-انگاری قابل تحلیل و بررسی است چرا که سازه‌انگاران با به‌کارگیری مقوله "هویت" در مطالعات روابط بین‌الملل معتقدند «هویت‌ها به‌طور هم‌زمان به‌گزينش‌های عقلانی قوام می‌بخشند و این الگوهای هنجاری سیاست بین‌الملل هستند که به آن‌ها شکل می‌دهند. هویت‌ها را نمی‌توان جدا از بستر اجتماعی آن‌ها تعریف کرد. آن‌ها ذاتاً اموری "رابطه‌ای" اند و باید به‌عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که یک کنش‌گر با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران به عنوان یک اثر اجتماعی، به خود نسبت می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۳۳۲). بر این اساس عناصر هویت ساز در سیاست خارجی ایران را می‌توان در مواردی چون فرهنگ سیاسی دینی، برداشت دینی از تحولات نظام بین‌الملل خلاصه کرد.

۳. پیشینه و ادبیات پژوهش

بررسی صورت گرفته از سوابق و پیشینه پژوهش حاکی از آن است که به رغم انجام پژوهش‌های متعدد در خصوص روابط ایران و ترکیه و شناسایی تهدیدها و فرصت‌های هر یک از این دو دولت، تاکنون هیچ کدام از آنها به تأثیر روابط ایران و ترکیه در ایجاد و روند همگرایی در منطقه آسیای جنوب غربی و به تبع آن خاورمیانه به مطالعه و تحقیق نپرداخته‌اند. بنابراین، در این بخش چندین پیشینه در ارتباط با روابط ایران و ترکیه و چالش‌ها و فرصت‌های ایران و ترکیه تشریح می‌شود.

لیندنستراوس (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان «ترکیه و ایران دو قدرت منطقه» انجام داده است. به گفته وی ایران و ترکیه به عنوان قدرت‌های منطقه نقش مهمی را در خاورمیانه ایفا می‌کنند. در حال حاضر، هر دو دولت به برخی از جنبه‌های نظم بین‌المللی توجه داشته و در مورد نفوذ محدود اسلام در نهادهای بین‌المللی مهم، چالش برانگیز رفتار می‌کنند و روابط پیچیده‌ای با قدرت‌های جهانی دارند. ایران و ترکیه هر دو ایالات متحده را به یک میزان تهدید آمیز



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

یه شمار می‌آورند. در سیستم منطقه چند قطبی خاورمیانه، ایران، اسرائیل و عربستان سعودی، مثال بارز مشارکت بی‌نتیجه هستند که هرگز با یکدیگر همکاری نخواهند داشت.

علاوه بر این، بحران ترکیه و مصر، هر چند به میزان اندک، همچنان ادامه دارد و تا به حال از حل و فصل آن جلوگیری به عمل آمده است. در نتیجه با توجه به بحران عربستان سعودی با قطر به نظر می‌رسد که روابط ترکیه و ایران همچنان بیشتر از گذشته شود.

عیوضی و آفتابی مایان (۱۳۹۶) در پژوهشی دیگر با عنوان "چشم انداز روابط سیاسی قدرت‌های منطقه‌ای جهان اسلام" به شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های چهار دولت قدرتمند مسلمان منطقه شامل ایران، عربستان، ترکیه و مصر در منطقه پرداختند. آنها پس از شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های موجود این کشورها و در جهت دستیابی به راهی برای همگرایی در منطقه، به این نتیجه دست یافتند که ایران با توجه به فشارها و تحریم‌های بین‌المللی که پیش رو دارد، ابتدا باید با ائتلاف با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای جهان اسلام مثل ترکیه، عربستان و مصر به حفظ امنیت و همچنین اهدافش در منطقه دست یابد. این ائتلاف می‌تواند به شکل گیری یک سازمان فراملی سیاسی-نظامی برای تامین اهداف حیاتی هر چهار قدرت در حفظ امنیت‌شان منجر شود.

صدیق بطحایی اصل و همکاران (۱۳۹۱)، تحقیقی با عنوان "نقش و تاثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه" انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روابط ایران و ترکیه در سطوح مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، تحولی اساسی و متفاوت با روابط گذشته و نگاه تاریخی یافته و بازخوردی از تحول در سیاست خارجی دو دولت است. در نتیجه عرصه اقتصاد، انرژی و تجارت از مهم‌ترین عوامل همسویی منافع ایران و ترکیه در سه دهه اخیر، نشان‌دهنده مصلحت‌گرایی سیاسی و منفعت‌طلبی اقتصادی بوده است.

همچنین به تعدادی دیگر از پژوهش‌ها در این زمینه با عنوان "اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه" توسط غائبی (۱۳۹۵)، "رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه: مورد ایران (۲۰۱۴-۲۰۰۲)" توسط رسولی و ایمانی (۱۳۹۴)، "سیاست خارجی نوین ترکیه و تهدیدهای امنیتی فراوری جمهوری اسلامی

ایران» توسط مسعودنیا و نجفی (۱۳۹۰)، و "فرصت ها و چالش های روابط ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه" توسط گودرزی و ابراهیمی (۱۳۹۲) می توان اشاره کرد. نتایج حاصل از این تحقیقات به ویژه نتایج مربوط به روابط اقتصادی ایران و ترکیه در بهبود روابط سیاسی و در نتیجه روند همگرایی در خاورمیانه و همچنین شناسایی چالش ها و فرصت های روابط ایران و ترکیه در این پژوهش مورد بهره برداری قرار گرفت. در واقع، در مطالعاتی که ذکر شد بیشتر به روابط ایران و ترکیه در عرصه اقتصادی با هدف مصاحات اندیشی در عرصه سیاسی و امنیتی و منفعت طلبی در عرصه اقتصادی بوده است. اما در مقاله حاضر پا را فراتر نهاده و با شناسایی فرصت ها و چالش های پیش روی روابط ایران و ترکیه و چگونگی بهره گیری این دو دولت از فرصت ها و تلاش برای تبدیل چالش ها به فرصت، به دنبال ایجاد همگرایی با کمک دو دولت مذکور ابتدا در آسیای جنوب غربی و سپس گسترش آن به خاورمیانه است.

۴. روابط خارجی ایران با ترکیه در دوران اردوغان

ترکیه و ایران به عنوان دو کشور غیر عرب در آسیای غربی، از کشور های کلیدی این منطقه هستند. این دو کشور از سال ۱۶۳۹ تا کنون هیچ گونه درگیری مرزی یا مسائل مشابه نداشته اند و مرز های دو کشور تا امروز بدون تغییر باقی مانده است. از نظر تاریخی، با وجود تفاوت های ایدئولوژیکی میان حکومت سکولار ترکیه و جمهوری اسلامی ایران، واقعیت های ژئوپلیتیکی و الزامات اقتصادی دو کشور را ملزم به همکاری با یکدیگر در تعدادی از موضوعات نموده است. به علاوه مرز مشترک دو کشور و وجود سازمان های شبه نظامی کردی به این همکاری استحکام بخشیده است. علاوه بر موارد فوق نیاز ترکیه به انرژی به افزایش حجم مبادلات تجاری میان دو کشور انجامیده است. روابط تجاری دو کشور همیشه خوب بوده و این از اصول سیاست خارجی دو کشور در جهت توسعه روابط اقتصادی و تجاری با همسایگان سرچشمه می گیرد. تجارت دو کشور بیشتر شامل گاز طبیعی بوده، اما همکاری های اقتصادی در زمینه های دیگر نیز وجود دارد. حجم تجارت دو کشور تا فوریه ۲۰۱۲ به حدود ۱۵ میلیارد دلار رسید (داود اوغلو، ۱۳۹۱: ۴۱۵).

با آغاز تحولات و خیزش ها در آسیای غربی، روابط دو جانبه میان ایران و ترکیه وارد فاز



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

۱۸۶

سال ۱۳۹۹، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

جدیدی گردید. این دو کشور تا اواسط سال ۲۰۱۱ همسایگانی دوست بودند و در بسیاری از موارد با یکدیگر توافق داشتند و روابطشان به سطح شرکای استراتژیک رسیده بود. امروزه این روابط در حال تغییر نموده است و دو کشور دیگر از موضع دو کشور دوست و شریک منطقه‌ای با یکدیگر سخن نمی‌گویند. با رسیدن موج اعتراضات بهار عربی به سوریه در ژانویه ۲۰۱۱، اختلافات در نظرات دو کشور آغاز شد و آن‌ها علناً علیه یکدیگر موضع گرفتند. رقابت دو کشور در منطقه با وضعیت جدید سوریه آشکار شد و بر تمام روابط خوب سال‌های گذشته سایه انداخت.

بی‌ثباتی ایجاد شده توسط تحولات عربی باعث تضعیف سیاست خارجی ترکیه و همچنین استراتژی داخلی و خارجی این کشور که به طور کامل بر اساس سیاست 'مشکلات صفر' است، گردید. این سیاست به نظر می‌رسد برای رسیدن به امنیت و ثبات و برای از بین بردن تعارض در ترکیه در محیط منطقه‌ای ترکیه به کار می‌رود. برای ترکیه اعمال این دیدگاه سیاست خارجی زمانی که منطقه نسبتاً با ثبات بود آسان به نظر می‌رسید.

با تغییر در محیط منطقه‌ای و بی‌ثباتی ناشی از خیزش‌های عربی، می‌توان انتظار داشت که این تحولات چالشی برای سیاست خارجی ترکیه در برخواهد داشت. مسئله چگونگی انطباق ترکیه با تعارض میان آرمان‌گرایی در سیاست خارجی خود و رئالیسم ناشی از وضعیت فعلی می‌باشد. از سوی دیگر است، ایران بهتر قادر به مدیریت وضعیت منطقه‌ای ناشی از هرج و مرج موقت تحولات منطقه می‌باشد. این مدیریت به دلیل داشتن تجربه، ابزارهای در اختیار و متحدان منطقه‌ای می‌باشد. این عوامل ایران را برای بقا مشابه شرایط در گذشته قادر نموده است. در حقیقت، ایران با حمایت از چنین اختلال‌هایی در گذشته، روی انگیزه نیروهای منطقه‌ای به مذاکره، و اعطای امتیازات سرمایه‌گذاری نموده است. در چنین جوی تهران می‌تواند از خلاء سیاسی که در حال حاضر در بعضی از کشورهای عربی وجود دارد، بهره‌مند شود، حالت سردرگمی ایجاد شده در برخی از کشورهای عربی، می‌تواند به عنوان نقطه ورود سیاست خارجی ایران باشد. به طور مشابه، ایران ممکن است قادر به بهره‌برداری از این خیزش ژئوپولیتیک در مناطق دیگر نیز شود. (امام جمعه راده و میکوشش، ۱۳۹۲).

آنچه مشخص است این است که ایران و ترکیه دو کشور بزرگ و تاثیرگذاری در تحولات

منطقه و آسیای غربی هستند و اساساً بسیاری از تحولات منطقه تحت تاثیر ایران و ترکیه در ده های اخیر قرار گرفته است. طی ۴۰۰ سال گذشته مناسبات ایران و ترکیه به رغم فراز و نشیب ها مناسبات خوبی بوده و تغییری در مرزهای دو کشور انجام نشده و این نمونه ای از مناسبات خوب بین دو کشور بوده. اکنون هم به رغم اینکه شاهد تعارض منافع و تقابل و رقابت دو کشور در برخی محیط های منطقه ای و پیرامون کشورمان از جمله مسئله سوریه و عراق هستیم ولی در واقع در بسیاری از مسائل منافع اقتصادی و سیاسی ایران و ترکیه پیوند خورده است توجه داشته باشیم که در واقع سود بازیگران فرامنطقه ای در این است که ایران و ترکیه روابط تنش آمیز و تقابلی داشته باشند.

۵. سازه انگاری و تعامل در روابط ایران و ترکیه

۵-۱. همکاری در حل تعارضات منطقه ای در دوران اردوغان

ترکیه به عنوان کشوری که در مرزهای آسیای غربی و اتحادیه اروپا قرار دارد، یکی از کشورهای اصلی آسیای غربی است که به دلیل داشتن ساختاری مردم سالارانه می تواند پایه ای برای تقویت الگوهای همکاری درون منطقه ای باشد. ایران نیز با داشتن توانایی های مادی و معنوی بالا و نظام مردم سالاری که بر ساختار سیاسی آن حاکم است و همچنین نگاه مثبت و مبتنی بر تعاملی که به همسایگان خود دارد، می تواند در همکاری با ترکیه، محوری مهم در افزایش همبستگی های منطقه ای در جهت تقویت مولفه های درون زای الگوهای رفتاری همکاری جویانه کشورهای این منطقه ایجاد کند. تقویت همکاری های ایران و ترکیه می تواند گام مثبتی باشد در جهت تلطیف فضای تعارض آمیز رقابت بازیگران اصلی این منطقه. ایران و ترکیه باید به جای رقابت های ژئوپولیتیکی که اتفاقاً سوءظن ها و بدگمانی ها را افزایش می دهد، به سوی همکاری مشترک در همه زمینه ها اقدام کنند. دولت ترکیه می تواند در بخش انرژی جمهوری اسلامی ایران سرمایه گذاری کرده و بهره آزاد نیز ببرد. دو کشور می توانند در جهت شکل دهی یک همگرایی منطقه ای بر محور انرژی کار کنند.

در مرحله اول کشور عراق را که از کشورهای مهم از نظر ذخایر انرژی است می توانند به جمع خود اضافه کنند. سپس کشورهای دیگر صاحب انرژی در منطقه را به این مجموعه



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس عالم الاسلامی

۱۸۸

سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

بیفزایند. ترکیه حد واسط شرق و غرب و یک مرکز مهم انتقال انرژی به اروپاست. ایران و عراق در درجه اول و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در درجه دوم به عنوان مراکز مهم تولید و استخراج انرژی می‌توانند در یک همکاری وسیع به فعالیت بپردازند. بهانه‌ای به نام انرژی می‌تواند ظرفیت‌های بزرگ تری را عرضه کند که به همکاری‌های بیشتر تحت عنوان یک همگرایی منجر شده، صلح و ثبات را به منطقه برگردانده و آن را تثبیت کند.

ترکیه اگر می‌خواهد به وضعیت شکوفا و روشن سال‌های اولیه حاکمیت حزب عدالت و توسعه برگردد باید در سیاست‌های منطقه‌ای خود تغییراتی به عمل آورد. منافع ملی دیگران برای دولتمردان باید مورد توجه قرار گیرد. همین‌طور که منافع ملی ترکیه برای همسایگان باید مهم باشد. اگر به وضعیت امروز منطقه توجه کنیم در خواهیم یافت داعش در عراق تا نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران نفوذ کرده بود و دولت عراق و اقلیم کردستان از ایران تقاضای کمک کردند. آیا دولت ترکیه انتظار داشت که جمهوری اسلامی ایران منافع ملی و امنیت سرزمینش را نادیده گرفته و اجازه دهد دشمنان خارجی تا مرزهای کشور نفوذ کنند؟ عمق استراتژی‌کی که داود اوغلو در آسیای غربی و شمال آفریقا در جست‌وجوی آن است آینده روشنی ندارد و امروز کشورهای مدنظر از شام تا شمال آفریقا به ویژه کشور شاخص منطقه یعنی مصر به این سیاست‌ها ظنین شده‌اند. این عمق استراتژیک در کشورهای جنوبی خلیج فارس به ویژه عربستان و قطر نیز یافت نمی‌شود هرچند که می‌توان با این کشورها روابط خوب و براساس منافع متقابل برقرار کرد. همراهی استراتژیک با این کشورها دوام نخواهد آورد زیرا ترکیه و عربستان از دو رویکرد متفاوت پیروی می‌کنند. اندیشه و تفکر مردم ترکیه از ترک گرفته تا علوی و کرد با تفکر کشورهای عرب جنوبی خلیج فارس متفاوت است و حداکثر دولت ترکیه با توجه به رویکرد مردم خود می‌تواند یک رویکرد اخوانی داشته باشد (روزنامه فرهیختگان، ۱۳۹۴).

در حالی که دولت‌های جنوبی خلیج فارس به خاطر تمایل مردمان شان به گروه اخوان المسلمین شدیداً با این گروه مخالف بوده و با آن مبارزه می‌کنند. از گروه‌های تکفیری نیز در خارج از مرزهای خود استفاده ابزاری می‌کنند. در واقع هرچند در کویت، عربستان و امارات بنیادگرایان تکفیری همچون داعش و القاعده فعال شده‌اند ولی دولتمردان این کشورها به

خوبی می دانند که تمایل مردم بیشتر به سمت اخوان المسلمین است. عمق استراتژیک مورد نظر ترکیه اگر در گذشته برایش زمینه ای در آسیای غربی و شمال آفریقا فراهم شده بود ولی با شکست بهار عربی و به هم ریختگی گسترده در منطقه شانس موفقیت نخواهد داشت. اتفاقاً عمق استراتژیک باید جای خود را به همکاری استراتژیک با بعضی کشورهای منطقه و با اولویت همسایگانی همچون ایران، عراق و بعضی کشورهای حوزه قفقاز بدهد.

با توجه به تمامی اقدامات و رفتارهای دولتمردان ترکیه، می توان گفت موضع دولت این کشور درباره تحولات اخیر جهان عرب حاکی از نوعی سیاست بینابینی بوده است. ترکیه در پی اجرای برنامه های جدید خود در منطقه است که هدف از آن توسعه نفوذ و ایفای نقش رهبری در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا است. به همین دلیل این کشور سعی دارد از موضعی خیرخواهانه و بدون تندروی های یکجانبه تصمیم گیری کند (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

۵-۲. مسائل مربوط به عراق در دوران اردوغان

ایران و ترکیه می توانند در صحنه عراق، یک بازی با حاصل جمع مضاعف و یا غیر صفر داشته باشند که مؤلفه های همسوی دو کشور در عراق آنها را در این زمینه یاری می کند. از جمله مواردی که دو کشور در حوزه عراق، همسو هستند بحران کردها و تلاش آنها برای تشکیل حکومت است و نیز احتمال تجزیه طلبی در عراق و تلاش های دو کشور ایران و ترکیه برای ایجاد ثبات در این کشور، از دیگر مواردی است که می تواند فرصت را برای گسترش زمینه های مشترک ایران و ترکیه فراهم نماید.

هنگامی که شیعیان در بغداد مهم ترین فاکتور قدرت باشند، واگرایی و استقلال منطقه کردستان عراق نه به هدف پیوستن به ترکیه، بلکه به هدف احیای نفوذ سنتی - تاریخی آنکارا، موضوعی است که می تواند مطمئن نظر حزب عدالت و توسعه قرار بگیرد. از این منظر به نظر می رسد ترکیه جدی ترین حامی ایده دو منطقه نفتی و استراتژیک، با دو دولت سنی به مرکزیت «موصل» و «اربیل» باشد، اما اگر به واسطه تحولاتی در آینده، شمال عراق تجزیه شود، مبارزه ترکیه با پکک و توانایی آن برای مدیریت تقسیم منابع طبیعی با عراق به طور قابل توجهی کاهش خواهد یافت. پکک در موقعیت دسترسی به مواضع جدید، منابع تجهیزات و مسیرهای حمل و نقل قرار می گیرد و کار ترکیه را برای نابود کردن این سازمان دشوارتر می کند. از طرفی کردهای ترکیه نیز



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

۱۹۱

الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در ...

زمینه و انگیزه جدیدی برای تجزیه و یا پیوستن به کردستان عراق پیدا خواهند کرد. بنابراین همانگونه که ملاحظه می شود دو کشور ایران و ترکیه (اگرچه ترکیه صراحت کمتری دارد) تجزیه عراق را طرح قدرت های غربی برای باز کردن جای پای خود در منطقه قلمداد کرده و با آن مخالفند. ایران در عین حفظ منافع استراتژیکی اش در شمال عراق به کردها خاطر نشان می سازد که از چه چیز می توانند دفاع کنند و در این راه از اهرم های زیادی استفاده کرده است. از یک طرف روابط اقتصادی خود را با کردها گسترش می دهد و از سوی دیگر عملیات اطلاعاتی خود را به اجرا در آورده و به شکلی از شورشیان اسلام گرا همچون انصارالاسلام حمایت می کند. باری ایران، همسو با کشورهای همسایه، مواضع غیر دوستانه ای را با کردهای عراق اتخاذ نموده به طوری که می توان به اظهارات سفیر ایران در ترکیه در آوریل ۲۰۰۶ در خصوص هشدار نسبت به تشکیل کردستان بزرگ اشاره نمود. تجارت مرزی از زمان سقوط رژیم بعث رونق گرفته است و سرمایه گذاری های ایرانیان در شمال عراق در حال گسترش است به ویژه در منطقه سلیمانیه، گفته می شود قراردادهای ساخت و ارتباطات با شرکت های خصوصی ایران منعقد می شود به طوری که منطقه آزاد کیش با کردستان عراق جهت مبادلات دو جانبه یک تفاهمنامه همکاری امضاء کرده است. کردهای عراق همچنین به واردات گاز ایران وابسته اند. البته یک نکته را نباید فراموش کرد و آن این است که تشکیل چنین دولتی می تواند باعث شکاف هر چه بیشتر بین سنی و شیعه در سه کشور ایران، ترکیه و عراق شود. در بعد انرژی نیز تشکیل دولت کرد در شمال عراق و تسلط ایشان بر منافع نفتی می تواند باعث کاهش توان کشورهای نفت خیز منطقه در استفاده از نفت به عنوان یک ابزار استراتژیک شود. در نهایت احتمالاً دولت کرد شمال عراق به علت فقدان دلبستگی های قومی یا عقیدتی و عدم ارتباط منظم با نهضت فلسطین، مخالفت چندان گسترده ای با اسرائیل نخواهد داشت و حتی احتمال اینکه همکاری های با این رژیم داشته باشد غیر قابل تصور نیست. این امر در کنار تضعیف عراق به عنوان یک کشور مخالف جدی با اسرائیل کشور های منطقه برای مخالفت با تشکیل دولت کردی می باشد. حساسیت جمهوری اسلامی ایران به حضور و نفوذ محتمل اسرائیل در کردستان عراق و جدی انگاشتن پیامدهای چنین وضعیتی با توجه به تخاصم ایدئولوژیک دو کشور، امری بدیهی و آشکار است. (کریمیان، ۱۳۸۳)

موقعیت کردستان عراق به عنوان یک منطقه مهم از آسیای غربی و با حاکمیت دو فاکتور یا دوزوور، نه تنها تهدیدی برای اسرائیل نمی باشد بلکه فضای تنفس استراتژیک آن را در منطقه بالا می برد. (عبدالله پور، ۱۳۸۹: ۳۵) از سوئی اسرائیل از طریق کنترل دولت کردی برای اعمال فشار بر ایران و ترکیه قدرت چانه زنی خود را بالا خواهد برد زیرا اسرائیل خواهد توانست مساله جدائی خواهی قومی را تبدیل به یکی از اصلی ترین نگرانی های امنیتی ایران و ترکیه بنماید. (شیخ عطار، ۱۳۸۲: ۳۴۶).

یکی از اهداف امنیتی اسرائیل در کردستان عراق و تشکیل دولت مستقل کرد، ایجاد اهرم بازدارنده در مقابل ایران است، زیرا به زعم اسرائیلی ها، ایران همواره از حزب اله لبنان به عنوان اهرم فشار علیه اسرائیل استفاده کرده است. اسرائیل در صدد است با تشکیل گرو ههای شبه نظامی از میان اکراد، اهرم فشاری همانند حزب اله در منطقه بر علیه ایران ایجاد کند. (خسروی، ۱۳۸۳: ۶۰).

ترکیه به عنوان سردمدار مخالفان ایده دولت کرد معتقد است که تشکیل چنین دولتی، مقدمه ای برای تجزیه مناطق وسیع و پر جمعیت کرد نشین خود می داند و این امر برای ترکها خط قرمز امنیتی است. در نگاه اکثر دولتمردان ترک نیز، حضور و نفوذ اسرائیل در کردستان عراق به عنوان عامل تقویت جنبش کردی در منطقه و تهدید برای امنیت ملی این کشور عنوان می شود. بنابراین هم ایران و هم ترکیه حضور و همکاری اسرائیل را با کردستان عراق، تهدیدی علیه منافع ملی خود می دانند که با ایجاد گروه های شبه نظامی در میان کردها سعی بر کنترل ترکیه و ایران دارد. مخالفت با حضور نیروهای خارجی در عراق، یکی دیگر از حوزه های مشترک در رویکرد ایران و ترکیه نسبت به عراق محسوب می شود.

حضور قدرت های فرامنطقه ای در آسیای غربی به دلیل عواملی چون نفت و موقعیت ژئوپولیتیک منطقه همواره از عناصر ساختار امنیتی منطقه ای محسوب می شده است، اما در سال های اخیر و به ویژه بعد از یازده سپتامبر و حمله امریکا به افغانستان و عراق، مداخلات فرامنطقه ای افزایش قابل ملاحظه ای را نشان می دهد. البته مبارزه با تروریسم از ابتدا به عنوان یکی از اهداف اصلی آمریکا در گسترش حضور خود در منطقه و تقویت الگوی امنیت هژمونیک عنوان شد. اما حضور گسترده تر آمریکا در منطقه و اشغال افغانستان و عراق زمینه را



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
جهان اسلام

برای گسترش افراط‌گرایی و تروریسم مهیا ساخت. اکنون اگرچه حضور آمریکا در عراق کمرنگ تر شده اما مسئله تروریسم نه تنها در این کشور که در کل منطقه همچنان به عنوان بحرانی جدی پا بر جاست (واعظی، ۱۳۸۶). اگرچه این گروه‌های تروریستی در داخل ایران فعالیت ندارند اما حضور آنها در محیط پیرامونی ایران، قدرت و گستره نفوذ ایران را رو به تحلیل خواهد برد و از سوی دیگر با کاهش قدرت متحدان ایران، قدرت مانور منطقه‌ای ایران نیز کاهش می‌یابد. در رابطه با ترکیه نیز می‌توان گفت حضور آمریکا و تحولات عراق باعث رشد بنیادگرایی و ترقی گروه‌های تروریستی ترکیه شده است. مسئله کردها و مطرح شدن موضوع فدرالیسم، فعالیت گروه تجزیه طلب پ. ک. ک، حضور اسرائیل در شمال عراق و ناامنی داخلی عراق از مهمترین دغدغه‌های ترکیه در عراق جدید است. منافع آمریکا در عراق همپوشانی چندانی با منافع ترکیه ندارد، ضمن آنکه حمایت ضمنی آنها از کردها نگرانی ترکیه را دوچندان کرده است. حضور آمریکا مهم ترین عامل بازدارنده اقدامات یک جانبه ترکیه در شمال عراق است. در حالی که آمریکا بر مبارزه با تروریسم در هر شکل آن تاکید می‌کند، اما از سوی دیگر به فعالیت پ. ک. ک در شمال عراق بی تفاوت بوده و حتی غیر مستقیم سلاح‌های آنها را تامین می‌کند. بدلیل مخالفت منطقه‌ای با تشکیل دولت کردی، چنین دولتی در پی خروج از انزوای وهم پیمانی با قدرت‌های بیرونی است. اسرائیل نیز که به دنبال تشکیل یک دولت غیر عرب کردی است، بر طبق تز «اتتلاف پیرامونی» «بن‌گورین» با یک دولت غیر عرب پیرامونی ائتلاف می‌کند. تشکیل چنین دولتی در منطقه بر تهدیدات علیه ترکیه دامن می‌زند. در چنین شرایطی ترکیه می‌کوشد از ابزار فشار خود به عراق بیشتر بهره‌برد. ادعای ارضی ترکیه به موصل و نیز وجود اقلیت ترکمن در شمال عراق، به همراه نیاز جغرافیایی منطقه به راه‌های مواصلاتی ترکیه، از جمله این ابزارها می‌باشد (اسدی، ۱۳۸۷).

با توجه فضای نامناسب امنیتی عراق و پیامدهای ناگوار منطقه‌ای آن از یک سو و تجارب تاریخی و تهدیدات امنیتی ناشی از این کشور طی دهه‌های گذشته از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران و ترکیه ایجاد ثبات و امنیت در عراق را محور اصلی راهبرد خود در قبال عراق قرار دادند. همچنین منطق کلی روابط ایران و ترکیه با عراق نمی‌تواند اولویت مهم‌تری را در این خصوص در پیش روی تصمیم‌گیرندگان قرار دهد (واعظی، ۱۳۸۶: ۴۳).

۳-۵. فرصت های امنیتی در دوران اردوغان

زمینه های مشترکی که دو کشور ایران و ترکیه در مورد مسائل منطقه به ویژه عراق و سوریه دارند، این فرصت را در اختیار دو کشور قرار می دهد تا همکاری هایشان را در حوزه امنیتی گسترش دهند و آنچه زمینه را برای این امر بیش از پیش فراهم می کند نگرانی مشترک دو کشور از سرریز بحران ها در منطقه به این کشورها است.

خداشه دار شدن روابط دو کشور ایران و ترکیه برای دو طرف نتایج زیان باری داشت، از جمله نتایج منفی برای طرف ایرانی عبارت اند از، اتحاد بیشتر ترکیه به عنوان عضو ناتو با غرب و اسرائیل علیه ایران، مثلث اسرائیل، ترکیه، جمهوری آذربایجان علیه ایران، ائتلاف ترکیه و اتحادیه عرب علیه ایران و پیوستن ترکیه به محور سنی در منطقه، از دست دادن یک شریک تجاری توسط ایران به ویژه در شرایط تحریم اقتصادی، از دست دادن یک همسایه دوست توسط ایران که عنصری بسیار مهم در مذاکرات هسته ای ایران با غرب به عنوان میانجی محسوب می شود.

در طرف مقابل نیز تخریب روابط دو کشور نتایج منفی ای برای ترکیه به دنبال داشت. نباید فراموش کرد که جمهوری اسلامی ایران اکنون به عنوان یک بازیگر مهم در آسیای غربی محسوب می شود و همکاری نکردن این کشور با ترکیه موجب می شود ترکیه نتواند مشکلاتش را در ارتباط با کردها حل و فصل کند. همچنین ایران یک شریک تجاری خوب برای ترکیه محسوب می شود که در صورت تخریب روابط فرصت همکاری از میان می رود.

۴-۵. همکاری های اقتصادی

با توجه به اینکه ایران یکی از قدرت های برتر در منطقه محسوب می شود، ترکیه روابط با ایران را جدی گرفته است که یکی از مهم ترین ابعاد این روابط، مناسبات تجاری و اقتصادی است. در این راستا سازمان همکاری اقتصادی اکو از اهمیت خاصی در روابط بین دو کشور و تأمین ثبات و امنیت در منطقه و جهان برخوردار است.

ترکیه به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک و درک اهمیت این موقعیت و نقش منطقه ای خود، بر لزوم حفظ رابطه نزدیک با همسایگان خود به خصوص با جمهوری اسلامی ایران وقوف دارد و سازمان همکاری اقتصادی را قالب مناسبی برای اجرای این سیاست می داند. ترکیه برای ایفای



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۹۴

سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلوم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

نقش منطقه ای خود، کانال همکاری های اقتصادی را بهترین خط مشی می داند. مقامات ترکیه در تلاشند با محور قلمداد کردن نقش خود در سازمان اکو، ترکیه را به عنوان حلقه واسطه بین سازمان همکاری اقتصادی اکو، جامعه اروپا و سایر پیمان های منطقه جا بیندازد.

اگر روابط اقتصادی ایران و ترکیه روند رو به رشدی را شاهد باشد، فرصت دیگری را نیز به صورت غیرمستقیم در اختیار ایران قرار می دهد و آن امکان عمق بخشی به روابط خود با کشورهای منطقه قفقاز است. قفقاز یکی از مهمترین حوزه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. معنی نفوذ سیاسی در حوزه قفقاز، نفوذ بسیار مطمئن در حوزه های دریای سیاه در شمال قفقاز و دریای خزر است. زیرا یک پیشرفتگی ژئوپولتیک بسیار مهم در دل حوزه های بسیار با اهمیت سیاست خارجی ایران است که به صورت تاریخی اهمیت خاصی این منطقه در آینده روابط ایران با اروپا، آینده همکاری های نفتی و انرژی در دریای خزر و در قفقاز دارد. به همین دلیل حوزه پر اهمیتی است. یکی از کشورهایی که در حوزه قفقاز برای ایران اهمیت دارد و نیز مورد توجه ترکیه هم هست، کشور آذربایجان می باشد. (دولت آبادی، ۱۳۹۳)

هر دو کشور ایران و ترکیه منافعی را در آذربایجان دنبال می کنند و هر یک نیز از مزایایی برای گسترش روابط خود با این کشور برخوردارند که البته در این بین، ترکیه به موفقیت بیشتری دست یافته است. حال اگر همکاری های ایران و ترکیه افزایش یابد، ترکیه از سنگ اندازی های خود بر سر راه روابط ایران و آذربایجان خواهد کاست و بدین ترتیب، بهبود و گسترش همکاری های ایران با ترکیه، به فرصتی برای ایران تبدیل می شود که می تواند روابطش را با آذربایجان تعمیق بخشد.

۶. سازه انگاری و چالش های روابط خارجی ایران با ترکیه در دوران اردوغان

۶-۱. تداخل منافع و عدم مدیریت آن در بحران سوریه

نگاه ایران به بحران سوریه به علت دوری از کشور سوریه و نداشتن مرز مشترک با آن، نگاه راهبردی و بلندمدت است. اما نگاه ترکیه به بحران سوریه، یک نگاه کاملاً تاکتیکی است. ترکیه دارای حدود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با سوریه است. قرابت جغرافیایی و قرار داشتن

ترکیه در کانون بحران سوریه به علت هجوم ۳۶۰۰۰ آواره سوری به این کشور و تهدید شدن خطوط مرزی این کشور با سوریه به علت حجم آتش رد و بدل شده میان مخالفان و ارتش سوریه، باعث نگاه خصمانه ترکیه به سوریه شده است. بحران سوریه از طرف دیگر، تلاش چندین ساله ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا به باد می دهد. چراکه بحران در مرزهای ترکیه، به منزله بحران در مرزهای اتحادیه اروپا قلمداد می شود؛ بنابراین اتحادیه اروپا که قبلاً با اغماض و خوش بینی نسبت به مسئله امنیت در ترکیه برخورد می کرد، حالا ورود ترکیه را منوط به برقراری آرامش در مرزهای خود خواهد کرد. ایران فاقد این گونه مشکلات است؛ بنابراین با آسودگی خاطر بیشتری نسبت به ترکیه، به بحران سوریه می نگرد. همین تفاوت در میزان تأثیرپذیری دو کشور از بحران سوریه، موجب تقابل میان آن ها گردیده است. اوج چالشها و حتی برخوردهای ایران و ترکیه را میتوان در منافع دو کشور در سوریه مشاهده کرد. سوریه به عنوان متحد استراتژیک ایران، نقش مهمی را در دشمنیهای ایران و اسرائیل، حمایت از حزباهل و گروههای فلسطینی و همچنین نزاعهای عقیدتی در منطقه برعهده دارد. حال آنکه ترکیه نسبت به این کشور دارای ادعاهای تاریخی، سرزمینی و اقتصادی دارد. نکته دیگر اینکه به دلیل آنکه سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیکترین متحد عربی با جمهوری اسلامی ایران بوده است، ظهور بحران در این کشور تأثیر مستقیم بر روابط همپیمانان ایران در منطقه خاورمیانه داشته است (سیمبر، ۱۳۹۳: ۵۱).

بحران سوریه، روابط ایران و ترکیه را وارد مرحله تازه ای کرده است. در حقیقت تعارضات بنیادین موجود میان ماهیت سیاست خارجی دو کشور تحت تأثیر کاتالیزوری به نام بیداری اسلامی هویدا شده است. این در حالی است که رادارهای مستقر در ترکیه به عنوان بخشی از طرح سپر دفاع موشکی ناتو مدتی است، آغاز به کار کرده است. در همین حال جمهوری اسلامی ایران در قبال این مسئله موضع گیری کرده است. اخیراً نیز تنش های پیش آمده در سوریه و دیدگاه های متعارض ایران و ترکیه در قبال اتفاقات سوریه تنش در روابط دو کشور را دو چندان نموده است.

در این چارچوب، تحولات جهان عرب به ویژه بحران سوریه هم فرصت و هم چالش در روابط ایران و ترکیه ایجاد کرده است. فرصت از این رو، که ایجاد دولت های ملی-اسلامی با



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

نگاه‌های مستقل موجب می‌شود، که ایران و ترکیه از ژئوپلیتیک تنهای خود به عنوان دو کشور غیر عرب خارج شوند و دوستان و ائتلاف‌های سیاسی جدید پیدا کنند. اما چالش در روابط ایران و ترکیه به ایفای نقش‌های منطقه‌ای آنها در مدیریت تحولات عربی مربوط است. به خصوص بحران سوریه که دو کشور دو نگاه متفاوت به این مسئله دارند. ترکیه در تقویت راه حل غربی خواهان تغییر رژیم در سوریه است، چرا که ترکیه در بحران سوریه مردم را محق می‌داند و حکومت سوریه را به کشتار مردم خود متهم می‌کند و اینکه در اثر عملیات نظامی حکومت سوریه تاکنون تعداد زیادی از مردم، فقط به ترکیه آواره شده‌اند. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران تفسیر متفاوتی از تحولات دارد و معتقد است از آنجا که حکومت سوریه در جبهه مقاومت است با توطئه‌هایی که از سوی خارجی مدیریت می‌شود، مواجه است. از این رو، ایران خواهان انجام تغییرات در سوریه است، به نحوی که توازن قوای منطقه‌ای حفظ شود. مسئله اصلی ایران تعادل بین جریان مقاومت و حزب الله و انجام تغییرات در سوریه است. این دو دیدگاه بسیار با یکدیگر فاصله دارد. گفتگوهای اخیر که در ماه‌های اخیر بین ایران و ترکیه صورت گرفته است، فاصله‌ها را کم نکرده است و دو طرف موفق نشده‌اند که مواضعشان را به یکدیگر نزدیک کنند (محمدی، ۱۳۹۱: ۳).

۶-۲. به هم خوردن موازنه قوا در منطقه

در شرایط خلاء قدرت ناشی از انقلاب‌های عربی، دو کشور ایران و ترکیه در تلاش رسیدن به یک توازن قوای جدید هستند. تقابل اصلی ایران با ترکیه در بحران سوریه، بر حفظ منافع ژئوپلیتیک ایران استوار است. سیاست منطقه‌ای ایران متمرکز بر تقویت اتحادها و ائتلاف‌ها با گروه‌ها و دولت‌های دوست در منطقه است. خروج ترکیه از موضع سنتی حزب عدالت و توسعه، یعنی تمرکز بر نقش میانجی‌گرانه یا به صفر رساندن مشکلات با همسایگان و اتخاذ موضع جانبدارانه در بحران سوریه، درست در مقابل سیاست منطقه‌ای ایران یعنی حفظ توازن قوای فعلی است.

از یک نگاه واقع‌گرایانه، آینده آرایش سیاسی حکومت سوریه، همانند اهمیت آن برای بازیگران رقیب، برای ایران از لحاظ حفظ و تقویت نقش منطقه‌ای، موازنه قدرت و تقویت جریان مقاومت و هلال شیعی، شامل ایران، عراق، سوریه و لبنان بسیار مهم است. سقوط نظام

حاکم سوریه به هر طریقی، علاوه بر از دست دادن متحد راهبردی و پاره شده هلال شیعی، توازن قوای فعلی ایران را به هم خواهد زد و معادلات به نفع ترکیع رقم می خورد؛ بنابراین ایران در کنار تقویت جایگاه و حکومت سوریه به منظور جلوگیری از این اتفاق ناخوشایند، برای برقراری روابط صمیمانه با کشورهای انقلاب کرده، درصدد دست یابی به نفوذ معنوی با هدف کسب اقتدار در منطقه است.

۶-۳. همکاری ترکیه با ناتو؛ تهدید امنیت ملی ایران

ترکیه که در جریان مذاکرات هسته ای ایران نقش واسطه را بر عهده گرفته بود و حتی محل برگزاری تعدادی از نشست های مذاکرات بود سعی بر این داشت تا از این امر به عنوان امتیازی برای افزایش وجهه خود استفاده نماید به ویژه اینکه سیاست خارجی متوازنی را در دوره حزب عدالت و توسعه در پیش گرفته تا تنش خود را با همسایگانش کاهش دهد اما این طرح عملاً امنیت ملی ایران را تهدید می کند.

این طرح را نباید با طرح استقرار این سامانه در خاک جمهوری چک و لهستان یکسان دانست. نخست آن که استقرار این طرح در شرق اروپا در آن مقطع و با توجه به مناسبات سرد مسکو-واشنگتن، با مخالفت شدید روس ها مواجهه شد و علی رغم این که امریکایی ها بارها اعلام نمودند که هدف این طرح مقابله با سیستم موشکی ایران است، ولی به دلیل مخالفت سرسختانه روسیه - که در راستای منافع استراتژیک و ژئوپلیتیک روسیه و نه ایران، صورت می گرفت- این طرح هرگز به مرحله اجرا در نیامد. حال آن که در شرایط کنونی، روسیه نه تنها مخالفتی با استقرار این طرح در خاک ترکیه از خود نشان نمی دهد بلکه این احتمال می رود که در سایه تحولات کنونی به ویژه تصمیمات اجلاس لیسبون، خود نیز در این طرح مشارکت نماید که در این صورت شرایط دشوارتری متوجه ایران خواهد شد. نکته دوم بعد جغرافیایی اجرای این طرح است. مجاورت جغرافیایی ترکیه با ایران، در مقایسه با فاصله نسبتاً زیاد جمهوری چک و لهستان از خاک ایران، به ویژه در زمینه کنترل راداری و اطلاعاتی، وضعیت بازدارندگی و توازن قوا در حوزه قابلیت های متعارف را به نحو قابل توجهی به نفع ترکیه تغییر خواهد داد که این امر، تدوین سیاستگذاری دقیق و ارائه راهکارهای مناسب را ضرورت می بخشد. (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۰)



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۱۹۸

سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

۴-۶. تلاش ترکیه برای افزایش نفوذ در عراق و تهدید امنیت ایران

دیدگاه حکومت کنونی ترکیه در عراق و سوریه مشابه همان نگاهی است که داماد فرید پاشا تقریباً یک قرن پیش داشت وقتی در پاریس به دنبال حفظ حاکمیت ترک‌ها بر منطقه بود. از نقطه نظر آنکارا، گسترش منطقه نفوذ ترکیه به سرزمین‌های اسلامی همسایه منوط به تضعیف دولت‌های عراق و سوریه است. حتی در صورتی که ترکیه کنترل مستقیم بر این سرزمین‌ها را نداشته باشد امیدوار است حداقل به طور غیرمستقیم اراده خود را از طریق شرکای منتخبش دوباره حاکم سازد؛ خواه از طریق گروهی از نیروهای اسلام‌گرای میانه‌رو در سوریه یا در شمال عراق، ترکیبی از گروه‌های سنی و ترکمن همراه با یک گروه کُرد همچون حزب دموکرات کردستان مسعود بارزانی رئیس حکومت اقلیم کردستان. در شرایط کنونی شاید ایالات متحده بر گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) متمرکز باشد، اما ترکیه به آینده می‌نگرد که احتمالاً این شرایط آشفته تداوم خواهد داشت. به همین دلیل است که ترکیه برای حضور در نبرد با گروه دولت اسلامی شرایطی را مطرح کرده است: این کشور در تلاش است تا ایالات متحده و شرکای عرب سنی ائتلاف را متقاعد سازد که تنها ترکیه توان اداره منطقه را دارا است؛ بنابراین به‌زعم مقامات آنکارا، همه بازیگران باید با اولویت‌های ترکیه منطبق باشند و اولین گام در این راستا جایگزینی رژیم علوی مورد حمایت ایران در سوریه با دولت سنی متمایل به آنکارا است. (به‌الا، ۱۳۹۳: ۱۸۳).

ترکیه سعی دارد بحران سوریه را به عراق نیز تسری دهد. آنکارا با ایجاد هم‌پیمانی بین «داعش» و گروه‌های معارض سابق (در عراق) در تلاش برای از بین بردن حکومت شیعی این کشور است. تقسیم عراق، از دید آنکارا، به تاسیس یک دولت سنی همسایه منجر می‌شود که تا حد زیادی می‌تواند روی کمک‌های مالی آن حساب باز کند. به این ترتیب ترکیه نفوذی در عراق پیدا می‌کند که قبلاً فاقد آن بوده است. تاسیس چنین فدرال سنی به اعتبار اینکه بر دو استان «الانبار» و «نینوا» حکومت خواهد کرد، از نظر جغرافیایی مرزهای ترکیه و عربستان سعودی را به هم متصل و همچنین «هلال شیعی» را قطع خواهد کرد، طوری که ارتباط بین تهران-بغداد از یک سو و دمشق و مقاومت در لبنان از سوی دیگر قطع خواهد شد و بروز چنین شرایطی ضربه قوی ترکیه و کشورهای عرب (خلیج فارس) به نفوذ ایران (در منطقه) محسوب می‌شود.



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعهٔ دراسات العالم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۹۹

الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در ...

تضعیف بیش از پیش دولت شیعی در عراق و حکومت بشار اسد تثبیت موقعیت داعش و تشکیل دولت مستقل توسط آن، پیامد امنیتی دیگر تجزیه عراق برای ایران خواهد بود. تحولات تاریخی تهران، دمشق و بغداد را طی سال های اخیر کنار هم قرار داده است. این اتحاد مانع از پیشبرد تحولات ژئوپلیتیک به نفع آمریکا و اسرائیل در آسیای غربی شده است.

۵-۶. حمایت ترکیه از داعش

از ابتدای بحران سوریه ترکیه سیاست غیردوستانه و حتی خصمانه ضد دولت دمشق به نمایش گذاشته و نقش ترانزیت کننده تروریست های گروه داعش و سایر گروه های تروریستی از اقصای نقاط جهان به سوریه را به عهده گرفت و امروز یکی از علل پیچیدگی تحولات منطقه و اوج گیری قدرت تروریست ها ناشی از همین سیاست ها است و علی القاعده این سیاست ها تاثیرات بسیار منفی بر ترکیبات امنیتی منطقه و مناسبات کشورهای منطقه از جمله ایران و ترکیه گذاشته است (کاظم زاده، ۱۳۹۳: ۵).

ترکیه به بهانه تحولات کوبانی و کشتار کردها تلاش دارد به بهانه ایجاد منطقه حائل و در پوشش بازگشت آوارگان سوری به این مناطق ترکیب جمعیتی این مناطق را به نفع خودش تغییر بدهد و این نقشه در واقع توطئه خطرناکی است که صدمات امنیتی فراوانی برای ترکیبات امنیتی منطقه دارد. همانطور که خیلی از کارشناسان مطرح می کنند ترکیه با این رویکرد وارد قمار بزرگی شده است. چرا که این رویکرد برخلاف ادعای مسئولان ترکیه مبنی بر اینکه به دنبال تنش با همسایگان نیستند این تنش ها را به شدت افزایش داده است. چنانچه روزگاری شاهد این بودیم که مهمترین چالش امنیتی ترکیه با همسایگان این کشور مسئله یونان و دریای اژه بود ولی اکنون می بینیم که آنقدر تنش در مناسبات ترکیه با همسایگان آن ایجاد شده که مسئله یونان و دریای اژه به نوعی در حاشیه قرار گرفته است (کاظم زاده، ۱۳۹۳: ۵).

تحولات سیاسی همچنان بر کم و کیف مناسبات تجاری دو کشور تاثیر خواهند گذاشت و متغیرهای امنیتی و سیاسی موجود منطقه به طور عمده حول و حوش مسائل سوریه و عراق هستند ولی در این خصوص نیز ترکیه با توجه به برآیند تحولات ناچار است که در سیاست های خود در قبال سوریه تجدید نظر کند. کما اینکه کشورهای غربی که دنبال براندازی حکومت سوریه بودند بعد از مقاومتی که در منطقه انجام شده تغییراتی در سیاست های خود انجام دادند

و همین تغییر سیاست های آنکارا در قبال مسائل سوریه در داخل ترکیه نیز مقبولیت عام نداشته و تبعات فراوانی که بر اقتصاد و گردشگری ترکیه و از همه مهمتر بر برهم خوردن روند آشتی با کردها دارد دولت ترکیه را در آستانه چالش جدی قرار داده است.

چرا که اعتراض ها به این روند سیاست دولت ترکیه تنها مربوط به کردها نیست و اقشار مختلف مردم ترکیه از جمله علوی ها معترض این سیاست هستند و به نظر می رسد ترکیه با ادامه این روند ناگزیر شود به معیارهای دموکراسی برای حل مسائل منطقه توجه کند و علی القاعده اگر این متغیر به این شکل جلو برود در مناسبات ایران و ترکیه نیز تاثیر مثبتی خواهد داشت (کاظم زاده، ۱۳۹۳).

بنابراین بحران سوریه و نحوه موضع گیری دولت ترکیه، جمهوری اسلامی ایران را به عنوان کشوری که از یک سو متحد سوریه محسوب می شود و از سوی دیگر طی دهه اخیر روابط اقتصادی و سیاسی خود را با دولت ترکیه گسترش داده، با شرایط حساسی مواجه کرد. تضاد و تفاوت نگرش ایران و ترکیه نسبت به موضوع سوریه، مسئله ای است که فی نفسه می باید روابط تهران و آنکارا را تیره می نمود، اما اتخاذ سیاست های مطلوب از سوی ایران و همچنین عدم تمایل ترکیه به تیرگی روابط با تهران، باعث شده که روابط دو طرف همچنان در سطح مطلوبی باقی بماند.

آنچه مشخص است مناسبات مطلوب میان ایران و ترکیه به عنوان دو بازوی قدرت منطقه مورد توجه بازیگران فرامنطقه ای که به دنبال واگرایی در منطقه هستند و هر سیستم ترکیبات امنیتی منطقه گرا را در سیستم خود دارند نیست و گسترش مناسبات ایران و ترکیه چه به صورت روابط دوجانبه و چه در قالب گروه هایی مانند جی هشت یا گروه اکو و یا سازمان کنفرانس اسلامی و همه مدل های منطقه گرا مطمئناً مورد حمایت آن دسته از کشورها و بازیگرانی که معتقدند مسائل منطقه باید توسط کشورهای منطقه حل شود هست و کشورهای ایران، لبنان، سوریه، عراق و کشورهایی که راهکار حل مسائل منطقه را در همکاری منطقه ای می دانند از هرگونه همگرایی ایران و ترکیه استقبال کرده و معتقدند همکاری این دو کشور می تواند تروریسم در منطقه را ریشه کن کند.

با توجه به واقعیت هایی که در بحران سوریه موجود است، ایران و ترکیه در حال رسیدن به



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

نوعی واقع گرایی در حل این بحران هستند. اکنون آنکارا متوجه شده است که مرزهای منافع و حساسیت های منطقه ای ایران در مورد سوریه کجاست و تا کجا می توان پیش رفت. از سوی دیگر در ایران هم دیدگاه های واقع گرایانه ای نسبت به نقشی که ترکیه می تواند در منطقه ایفا کند، در حال تقویت شدن است. اکنون دولتمردان ایران متوجه این نکته می شوند که نقش دادن بیش از حد به ترکیه در تحولات منطقه ای شاید منجر به افزایش نقش دیدگاه غربی در تحولات منطقه ای و به تبع تضعیف نقش بازیگران مهم منطقه ای از جمله ایران شود. اما به هر حال اگر در بحران سوریه، ایران و ترکیه با یکدیگر همکاری نزدیک تری داشته باشند، می توانند زمینه های حل بحران را فراهم سازند. اگر ترکیه در چارچوب راه حل غربی بخواهد ایفای نقش کند، همین امر موجب ایجاد اختلافات منطقه ای خواهد شد که نه تنها منطقه را از حل بحران سوریه دور می کند بلکه واکنش قدرت هایی چون روسیه و چین را نیز در پی خواهد داشت. بهترین نقشی که ترکیه می تواند در منطقه ایفا کند، همان پلی است که میان دیدگاه های منطقه ای و غربی و بین المللی ارتباط ایجاد می کند.

۶-۶. گسترش روابط ترکیه و اسرائیل

ترکیه پس از شکل گیری اسرائیل این رژیم را به عنوان کشور به رسمیت شناخت، اما با توجه به اصل مداخله نکردن در منازعات منطقه، روابط چندان مستحکم و گسترده ای را با این رژیم برقرار ننمود. وقوع انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، وجود عراق باز یاده خواهی های صدام، آگاهی از تغییرات جهان در پی لرزش و فرو ریزی دیوارهای کرملین، سیاست های سوریه در برابر استان هاتای و حمایت از پ.ک.ک. و غیره بخشی از واقعیت هایی بود که ترکیه را بر آن داشت روز به روز در بیست سال گذشته به اسرائیل نزدیک تر شود، به گونه ای که وقتی روابط میان دو کشور در اواسط دهه ۱۹۹۰ به نقطه اوج خود رسیده بود، تل آویو و آنکارا را به این اجماع رساند تا برای کنترل سیاست های همسایگانش به همکاری های راهبردی-امنیتی بیشتری آورند. روابط ترکیه و اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ با توجه به برخی تحولات در نقطه اوج خود قرار داشت که این روند طی سال های اخیر در حال کاهش است. ترکیه هنوز در پی دستیابی به فن آوری نظامی اسرائیل است. رژیم اسرائیل و ترکیه در زمینه تولید تجهیزات نظامی، تبادل اطلاعات، آموزش مشترک، تبادل کارکنان نظامی جهت نظارت بر تمرینات نظامی، تولید

هوایماهای بدون خلبان، بهینه‌سازی هوایماهای ترکیه در اسرائیل و ورود ناوگان‌های جنگی به بنادر یکدیگر همکاری نزدیکی دارند. ادامه چنین وضعیتی بی‌شک در مقابل منافع و امنیت ملی ایران قرار داشت به‌ویژه اینکه در این دوران با سر کار بودن کمالیست‌ها در قدرت، روابط ترکیه و ایران وضعیت مساعدی نداشت. ادامه این روند به معنای گسترش روابط با اسرائیل و تقلیل روابط با ایران که می‌تواند نامناسب‌ترین وضعیت در نقش اسرائیل در روابط ایران و ترکیه باشد. (ملک محمدی، ۱۳۸۵: ۵۶)

به گونه حتم، همراهی ترکیه و اسرائیل می‌تواند در جهان عرب، آسیای میانه، قفقاز و شرق و حتی حوزه امنیت منطقه ای مانند خلیج فارس، تاثیراتی داشته باشد. این امر با توجه به روابط امنیتی و حتی نظامی کشورهای عربی با این دو بازیگر قابل تحلیل است. (لاسجودی، ۱۳۹۲)

اتحاد ترکیه و اسرائیل زمینه گسترش ناتو به شرق و مشخصا به جمهوری آذربایجان را فراهم می‌سازد و این مساله، تهدیداتی را علیه ایران و روسیه رقم می‌زند. علاوه‌براین، سایه واشنگتن به‌روشنی پشت سر تفکر شکل‌گیری مثلث ترکیه - اسرائیل - آذربایجان مشاهده می‌شود. از آنجاکه آسیای مرکزی و قفقاز از مناطق مهمی هستند که منافع امریکا و متحدانش در آنجا با روسیه و ایران برخورد می‌کند، شکل‌گیری چنین اتحادی مواضع ایالات‌متحده و متحدانش را در منطقه تقویت می‌نماید و این امر، با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد (حسنی، ۱۳۷۹: ۲۳).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۷. نتیجه گیری

مقاله حاضر، در پی تبیین الگوهای تضاد و همکاری دو کشور ایران و جمهوری ترکیه در روابط فیما بین بود. آنچه گذشت، نشان می دهد که مناسبات دو کشور همسایه همواره توأم با درگیری و همبستگی بوده است. پیروزی اسلام گرایان در ترکیه موجبات تغییرات اساسی در سیاست داخلی و خارجی این کشور را فراهم آورد. از آنجا که موضوع مقاله حاضر بررسی الگوهای تعامل و واگرایی در روابط ایران و ترکیه در دوره اردوغان بر اساس نظریه سازه انگاری بود، تمرکز بحث بر سیاست خارجی این کشور و چالشهای آن با ایران در خاور میانه قرار گرفت. از مجموع این مباحث بدست آمد که براساس نظریه سازه انگاری، منفعت محوری و مصلحت اندیشی مهمترین اصول دکترین نوعثمانی گری هستند. این سیاست گرچه توانسته از نظر اقتصادی، ترکیه را ارتقا دهد، اما از نظر سیاسی و امنیتی چالش هایی برای این کشور ایجاد کرده است. در سطح منطقه ای دخالت مستقیم ترکیه در سوریه و عراق موجب تهدید منافع استراتژیک ج.ا.ایران شده که از منظر سازه انگاری در سیاست خارجی خود اولویت های فرهنگی و عقیدتی خاصی را دنبال می کند. رویکرد نوعثمانی گری ترکیه در خاور میانه موجب شده تا این کشور به عنوان رقیب نامطمئن در دستگاه سیاست خارجی ایران تعریف شود. به ویژه با آشکار شدن این مسأله که ترکیه به حمایت از داعش به عنوان یک گروه تروریستی می پردازد و با آن روابط تجاری دارد، وجهه ترکیه در بین کشورهای منطقه را مخدوش کرده و نگرش ایران را نیز نسبت به این کشور دستخوش تغییر کرده است. البته چالش هایی که از گسترش روابط دو کشور ممانعت می کند علاوه بر اینها، از نوع روابط ترکیه با اسرائیل نیز تأثیر می پذیرد. به ویژه اینکه ترکیه با اسرائیل همکاری های نظامی دارد و رزمایش نظامی برگزار می کند و ایران این امر را تهدیدی برای گسترش نفوذ اسرائیل و در خطر گرفتن بیشتر جبهه مقاومت می داند. اما روابط دو کشور ایران و ترکیه در دوران اردوغان فقط به نقاط تقابلی و سیاست های متعارض ختم نمی شود و مؤلفه های مهم در سیاست خارجی دو کشور، آنها را به سمت همکاری نیز سوق می دهد. در همین راستا، اشاره ای کوتاه به مواردی می کنیم که زمینه را برای گسترش مناسبات دو کشور فراهم می کند.

روابط ترکیه و ایران در عراق، نقاط مشترکی نیز دارد. از جمله این مباحث، می توان به حفظ



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۲۰۴

سال شانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

یکپارچگی سرزمینی عراق، تأمین حقوق همه گروه‌های قومی و مذهبی و جلوگیری از نفوذ رژیم صهیونیستی در شمال عراق اشاره کرد. هر دو کشور از ناحیه عراق امن و باثبات سود خواهند برد و مایلند همسایه مشترکشان بعد از این، پایگاه گروه‌های تروریستی ضد ترکیه (مانند پ.ک.ک و پژاک) و ضد ایرانی (مانند گروهک سازمان مجاهدین خلق و گروه‌های مسلح کردی) نباشد.

پس از روی کار آمدن «اردوغان» و دردوان اردوغان دکترین سیاست خارجی این کشور «به صفر رساندن تنش با همسایگان» تغییر یافت. این سیاست اخیراً جای خود را با مذاکره دیپلماتیک برای حل بحران روابط با همسایگان تغییر یافته است.

از دیگر گام‌های مثبت دیپلماتیک ترکیه درباره بحران سوریه برداشته شد. بنابراین ترکیه در دوران اردوغان می‌خواهد به دوران سیاست خارجی خود قبل از بیداری اسلامی برگردد و نقش میانجی در بحران‌های منطقه‌ای بازی کند. در مجموع، می‌توان گفت خط روابط ایران و ترکیه با همه فراز و نشیب‌های همیشگی به پایین نخواهد آمد. ترکها تا به حال سعی کرده اند خود را در کنار ایران و دوست نشان دهند. از نظر اقتصادی نیز آنها دوست دارند روابطشان را با ایران بیش از این نیز افزایش بدهند، زیرا بدون شك تحریم نفتی ایران، جامعه ترکیه را نیز تحت فشار قرار خواهد داد. همچنین جمهوری اسلامی ایران در روابط دیپلماتیک با ترکیه باید به این نکته دقت کند که رابطه اش با ترکیه تنها رابطه دو کشور مسلمان نیست، بلکه رابطه دو کشوری است که نظام سیاسیشان هم متفاوت است؛ بنابراین، باید در میز مذاکره و روابط دیپلماتیک با ترکیه همه چیز با خونسردی و واقعگرایی تمام در نظر گرفته شود. به دلیل آنکه روابط بین الملل، بده، بستان دیپلماتیک است، در این روابط نباید احساسات را دخیل کرد. باید به مقوله «لزوم جداسازی مقولات مختلف در عملکرد دیپلماتیک» توجه کرد، زیرا اگر ایران حرکت ترکیه در موضوع سوریه را نمی‌پسندد و با دیدگاه اش سازگار نیست، نباید آن را به مسائل دیگر داخل کرده، انتظار داشته باشد همه کشورها مثل او فکر کنند. ضمن اینکه باید دانست که ممکن است در آینده نزدیک ترکیه نیز مجبور شود از خطی که اکنون درباره سوریه دنبال می‌کند برگردد. بنابراین، ایران و ترکیه دو کشور با اهمیت در منطقه هستند که با همه اختلافاتشان توانسته اند اراده خود را برای همزیستی مسالمت آمیز در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم به

اثبات برسانند. توانایی این دو کشور برای ادامه روابط حسن همجواری بستگی به دو عامل دارد؛ یکی چگونگی تفسیر آنها از رویدادهای منطقه و جهان و دیگری شخصیت هایی که در هر کشور برسرکار می آیند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای ساینس جهان اسلام

۲۰۶

سال دهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

منابع

- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۷). دانشنامه حقوق و سیاست، سازنده گرای: چارچوبی تتوریک برای فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات.
- اطهری، سید اسدالله (۱۳۸۲)، «ایران و ترکیه؛ بازخوانی روابط دو کشور پس از جنگ سرد»، مجله راهبرد، شماره ۲۷.
- امام جمعه زاده، جواد؛ میرکوشش، امیر هوشنگ (۱۳۹۲)، «آینده روابط آمریکا و چین: همکاری؛ رقابت»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره نهم.
- امیرمحمدی، محمد (۱۳۸۳)، «سازه انگاری در روابط بین الملل»، هفته نامه خردنامه همشهری.
- امینی، آرمین (۱۳۸۳)، «تحلیل روابط ایران- اتحادیه اروپا از منظر سازه گرایی»، فصل نامه تخصصی علوم سیاسی، سال نخست، پیش شماره یکم.
- ایران - ترکیه؛ گامی به سوی غلبه همکاری ها بر تعارضات منطقه ای، (۱۳۹۳). خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا). <http://www.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=۸۱۱۹۳۷۵۴>
- بهالا، روا، (۱۳۹۳). «منافع و مخاطرات کرکوک، ترجمه مرجان بارانی»، دو ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۸۹.
- تسنیم، «واکاوی حمایت ترکیه از تروریست های داعش»، خبرگزاری تسنیم، در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۳.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، (۱۳۹۰)، «نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه ای دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد»، فصلنامه سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه سال ۱۶، شماره ۴، صص ۱۰۳۰-۱۰۰۵.
- حسینی، سیف علی، (۱۳۷۹). «تهدیدات ناشی از اتحاد استراتژیک ترکیه و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال اول، دوره دوم، شماره ۷.
- خسروی، علیرضا و میر محمدی، مهدی، (۱۳۸۳). «بررسی اهداف، برنامه ها و زمینه های حضور اسرائیل در عراق پس از صدام»، خاورمیانه ۳، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- داود اوغلو، احمد، (۱۳۹۱)، عمق راهبردی؛ موقعیت ترکیه در صحنه بین الملل، ترجمه محمد حسین نوح ی نژاد ممقانی، تهر ان: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- دولت آبادی، فیروز (۱۳۹۳)، «ایران، ترکیه، آذربایجان و نقشه راه آینده قفقاز»، دیپلماسی ایرانی، ش ۲.
- روزنامه فرهیختگان، (۱۳۹۴ اسفند). ایران - ترکیه ضرورت بهبود روابط.
- سیمبر، رضا و قاسمیان، روح الله (۱۳۹۳)، «مؤلفه های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه». فصلنامه پژوهشهای راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۹.
- شفیعی، نوذر و فاطمه رضایی، (۱۳۹۱ تابستان). «نقد و ارزیابی نظریه سازه- انگاری»، مجله علمی تخصصی پژوهش های سیاسی، سال اول، شماره چهارم.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۰۸

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
زمستان ۱۳۹۹

شیخ عطار، علیرضا، (۱۳۸۲). «کردها و قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای»، معاونت سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.

صادقی، احمد. (۱۳۸۷). «تبارشناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ جایگاه هویت، فرهنگ و تاریخ»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۲، ش ۲.

صدیق بطحایی اصل، میرابراهیم؛ صراف یزدی، غلامرضا و صبری، محسن (تابستان ۱۳۹۱)، «نقش و تاثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۹، صص ۱۷۵-۲۰۳.

عیوضی، محمدرحیم و حسینی، عبدالله (۱۳۹۶)، «آینده روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات چند سال اخیر جهان عرب»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۹۵-۱۱۵.

غانبی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳۰، شماره ۲، صص ۸۵-۱۱۳.

قنبرلو، عبدالله، (۱۳۹۰)، «نقش کنشگران فراملی در جنبشهای ۲۰۱۱ جهان عرب»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۲، صص ۲۳۳-۱۹۹.

کرمی، جهانگیر، (۱۳۸۳). «سیاست خارجی از منظر تکوین-گرایی اجتماعی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۱. کریمیان، کامل، (۱۳۸۳). تعاملات و نگرش کردها به بازیگران داخلی و خارجی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۹۰ اردیبهشت)، «استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه: دلایل و پیامدها»، فصلنامه های پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ش ۱۰.

گودرزی، مهناز (۱۳۹۲)، «جهانی شدن و منطقه گرایی: تعامل یا تقابل (مطالعه موردی سازمان همکاری شانگهای)»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۳۵-۳۵۳.

مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۶)، تحول در نظریه های روابط بین الملل. تهران: سمت. ملک محمدی، حمید رضا، (۱۳۸۵). ترکیه و اسرائیل دو ستون جدید منطقه ای، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

میر کوشش، امیر هوشنگ (۱۳۹۲ اسفند)، «روابط ایران و ترکیه در پرتو تحولات منطقه ای»، تحریریه مجله الکترونیکی انجمن ایرانی روابط بین الملل.

هادیان، ناصر، (۱۳۸۲)، «سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی». فصلنامه سیاست خارجی. سال هفدهم. شماره (۴).

واعظی، محمود، (خرداد ۱۳۸۶). «تعامل ایران و آمریکا در عراق»، همشهری دیپلماتیک، سال دوم، شماره چهاردهم.

الوقت (۱۳۹۴)، «نقش ترکیه در روند تحولات سیاسی - امنیتی عراق»، تحلیلی، تبیینی و خبری الوقت، در تاریخ ۲۴ اردیبهشت، به آدرس اینترنتی: <http://alwaght.com/fa/News/9942/>



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲۰۹

الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در ...

وهاب پور، پیمان. (۱۳۸۴). «نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا از دیدگاه سازهانگاری»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۴.

یزدان فام، محمود و حمیرا مشیر زاده و نبی الله ابراهیمی (۱۳۸۹)، دگرگونی در نظریه‌ها و مفهومی امنیت بین المللی، تحول مفاهیم در روابط بین الملل، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
یلس، جان؛ اسمیت، استیو، (۱۳۸۳)، جهان یشدن سیاست: روابط بین‌الملل در عرصه ی نوین، ترجمه ابوالقاسم راهچمنی و دیگران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چاپ دوم.

Adler, E. (1997). "Seizing the Middle Ground: Constructivism in World Politics". European Journal of International Relations. Vol. 3(3).

Checkel, Jeffrey. T. (1997). "Norms and Domestic politics: Bridging the Rationalist-Constructivist". European Journal of International Relations, Vol. 3(4), 1997.

Lindenstrauss, G. M. (2018). Turkey and Iran: Two Regional Powers and the Relations Pendulum. <https://www.researchgate.net/publication/323757097>.

Went, Alexander, "Collective identity formation and the international state", American Political Science Review, vol. 88, no. 2, 1994.

Zehfuss, Maja. (2002). Constructivism in International Relations, London: Cambridge Univ.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۴۰۸

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

موسوی، سید محمد (۱۳۹۹)، «الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه در دوره دولت اردوغان در چارچوب سازه انگاری» فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۱۰، ش ۴، زمستان ۹۹، صص ۲۰۹-۱۷۹.